



506

۲۳۱

حلل و طرز
(در فن معما و لغز)

نق:

شرف الدین علی بنیاد

۱۱۷۱
۱۰۰۰

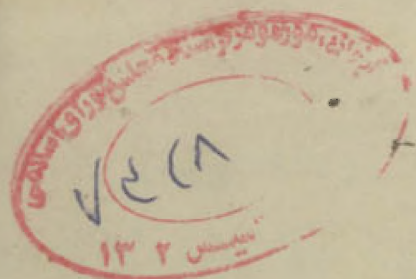
کتابخانه
کتابخانه


۱۴۶۹۴

۲
۳۰
۲۹۷

۴۱۲

۱
۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰
۵۱
۵۲
۵۳
۵۴
۵۵
۵۶
۵۷
۵۸
۵۹
۶۰
۶۱
۶۲
۶۳
۶۴
۶۵
۶۶
۶۷
۶۸
۶۹
۷۰
۷۱
۷۲
۷۳
۷۴
۷۵
۷۶
۷۷
۷۸
۷۹
۸۰
۸۱
۸۲
۸۳
۸۴
۸۵
۸۶
۸۷
۸۸
۸۹
۹۰
۹۱
۹۲
۹۳
۹۴
۹۵
۹۶
۹۷
۹۸
۹۹
۱۰۰



	کتابخانه مجلس شورای اسلامی
	کتابخانه کتاب
شماره قفسه	۲۹۹
مترجم	
مؤلف	شرف الدین علی یزدی
کتاب	حلی معرر دین سعادت

۷۷۷

حلی معرر
(درفن معارف)

شرف الدین علی یزدی
۷۱۱
۷۱۱

کتابخانه
کتابخانه

۱۳۵۹م

۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰
----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	-----

Handwritten text in Arabic script, likely a list or inventory. The text is arranged in several columns. On the left margin, there is a circular stamp with the number 134 inside. Below the stamp, the date 1349 is written. The text appears to be a list of items, possibly books or documents, with some entries marked by small circles or dots.

Handwritten text in Arabic script, possibly a title or a heading. It includes the word "كتاب" (Kitab, meaning book) and "فهرست" (Fahrest, meaning index or list).

Handwritten text in Arabic script, possibly a signature or a date. It includes the word "تحریر" (Tahreeer, meaning written or composed).

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

در این کتاب که در بیان حروف و احوال آنهاست
 از آن لفظ تعین باید نمود تا محل تحصیل نام معلوم
 باشد و در بعضی حروف باید که در بعضی اسقاط شود و در بعضی
 توان انداخت و بر تقدیر دوم نیز شاید که احتیاج باشد
 به تحصیل بعضی از حروف آن لفظ و تعین توان نمود
 در آن متعلق از محلی دیگر از برای اصلاح ترتیب
 اول چنانکه در رسم **ف** شرف کشت خاک پست
 قدم و گویای رسم **خ** و شال نامی چنانکه در رسم **ش**
 نامی که شرف نه بر شال از برای شلخ و در اول هم برود
 و شال رسم دوم در رسم **خ** چو سر و نو و ام کشان می چید
 چون در رسم بر سر کشید و ازین نوع تفاوت که است
 بعضی حروف را از نظر که اندراج یافته اند در رسم بعضی اشعار
 تخریب و در شرف و چون تفاوتی بین برقرار و دیگر و در شرف
 غلبت از حال تحصیل یا رسم علی اندام کتب
 و در بعضی حروف از برای اصلاح ترتیب
 و در بعضی حروف از برای اصلاح ترتیب
 و در بعضی حروف از برای اصلاح ترتیب

کیفیت

در این کتاب که در بیان حروف و احوال آنهاست
 از آن لفظ تعین باید نمود تا محل تحصیل نام معلوم
 باشد و در بعضی حروف باید که در بعضی اسقاط شود و در بعضی
 توان انداخت و بر تقدیر دوم نیز شاید که احتیاج باشد
 به تحصیل بعضی از حروف آن لفظ و تعین توان نمود
 در آن متعلق از محلی دیگر از برای اصلاح ترتیب
 اول چنانکه در رسم **ف** شرف کشت خاک پست
 قدم و گویای رسم **خ** و شال نامی چنانکه در رسم **ش**
 نامی که شرف نه بر شال از برای شلخ و در اول هم برود
 و شال رسم دوم در رسم **خ** چو سر و نو و ام کشان می چید
 چون در رسم بر سر کشید و ازین نوع تفاوت که است
 بعضی حروف را از نظر که اندراج یافته اند در رسم بعضی اشعار
 تخریب و در شرف و چون تفاوتی بین برقرار و دیگر و در شرف
 غلبت از حال تحصیل یا رسم علی اندام کتب
 و در بعضی حروف از برای اصلاح ترتیب
 و در بعضی حروف از برای اصلاح ترتیب
 و در بعضی حروف از برای اصلاح ترتیب

در این کتاب که در بیان حروف و احوال آنهاست
 از آن لفظ تعین باید نمود تا محل تحصیل نام معلوم
 باشد و در بعضی حروف باید که در بعضی اسقاط شود و در بعضی
 توان انداخت و بر تقدیر دوم نیز شاید که احتیاج باشد
 به تحصیل بعضی از حروف آن لفظ و تعین توان نمود
 در آن متعلق از محلی دیگر از برای اصلاح ترتیب
 اول چنانکه در رسم **ف** شرف کشت خاک پست
 قدم و گویای رسم **خ** و شال نامی چنانکه در رسم **ش**
 نامی که شرف نه بر شال از برای شلخ و در اول هم برود
 و شال رسم دوم در رسم **خ** چو سر و نو و ام کشان می چید
 چون در رسم بر سر کشید و ازین نوع تفاوت که است
 بعضی حروف را از نظر که اندراج یافته اند در رسم بعضی اشعار
 تخریب و در شرف و چون تفاوتی بین برقرار و دیگر و در شرف
 غلبت از حال تحصیل یا رسم علی اندام کتب
 و در بعضی حروف از برای اصلاح ترتیب
 و در بعضی حروف از برای اصلاح ترتیب
 و در بعضی حروف از برای اصلاح ترتیب

در این کتاب که در بیان حروف و احوال آنهاست
 از آن لفظ تعین باید نمود تا محل تحصیل نام معلوم
 باشد و در بعضی حروف باید که در بعضی اسقاط شود و در بعضی
 توان انداخت و بر تقدیر دوم نیز شاید که احتیاج باشد
 به تحصیل بعضی از حروف آن لفظ و تعین توان نمود
 در آن متعلق از محلی دیگر از برای اصلاح ترتیب
 اول چنانکه در رسم **ف** شرف کشت خاک پست
 قدم و گویای رسم **خ** و شال نامی چنانکه در رسم **ش**
 نامی که شرف نه بر شال از برای شلخ و در اول هم برود
 و شال رسم دوم در رسم **خ** چو سر و نو و ام کشان می چید
 چون در رسم بر سر کشید و ازین نوع تفاوت که است
 بعضی حروف را از نظر که اندراج یافته اند در رسم بعضی اشعار
 تخریب و در شرف و چون تفاوتی بین برقرار و دیگر و در شرف
 غلبت از حال تحصیل یا رسم علی اندام کتب
 و در بعضی حروف از برای اصلاح ترتیب
 و در بعضی حروف از برای اصلاح ترتیب
 و در بعضی حروف از برای اصلاح ترتیب

[illegible]

قصد سعای چنانکه در اسم **تاج الدین** ظاهر است
 در وی جانانت این دل آتش و پیریت و در اسم
سراج سرور بی او نهاده دل نمانش حاصل کند و
 بر آید کاش و لفظی را که افعال فعلی را کند
 بحسب ملاحظه معنی شوی غایت از دو فعال باشد
 و مستحکم آنکارندگاه بر سپید افراودگاه بطریق
 چنانچه سیاق سخن اقتضا نماید و این معنی از ذکر
 امشده یک موضوع پیوندد چنانکه در اسم **جلال**
 تا که بهار زندگی است چلا خوش ترا چون بهر دم
 از چون لاله نای کور آ در اسم **بهرام** لاله بهر
 دوست بهر دم بنام و پیش سرای کار شتم تمام بود
 در اسم **برهان** چون دل آرم در میان آید که ناشی تو
 هم دلالت بدو در اسم **شمس** اگر شمار بر این
 از جیاه و فتن و محنت و آفتاب و آفتاب
 از جیاه و فتن و محنت و آفتاب و آفتاب

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

و در این کتاب که در این باب است
 و از دو طریق که از تحقیق بعد درین کتاب نظر است
 و درمی آید آنست که هر دو عدد متوالی را که تحقیق کنند
 ضعیف هر دو مضروب است زوج باشد و در نظم سلسله بود
 البته میان ایشان فردی بود و هر فردی و نسبت عددی
 تحقیق کرد و تفصیل نسبت آن دو عدد متوالی بود و در
 کتاب اصول مبرهن شده که نسبت اصناف همچون
 نسبت اجزاست و هر وقت جبر لایحه باشد درین
 فاعده قطعی غایب که چنان دو عدد متوالی را هر یک را
 سه ضرب کنند حاصل ضرب یکی فرد باشد و یکی دیگر
 زوج و میان ایشان فردی و زوجی بود و نسبت
 تحقیق کرد که تفصیل نسبت آن دو عدد متوالی بود
 مثلاً اگر ده را و یازده را در سه ضرب کنند هشت و بیست و یک
 ایشان هشت و بیست و یک و در دو ضرب و یک جز از این
 کتاب و اصول مبرهن شده که نسبت اصناف همچون
 نسبت اجزاست و هر وقت جبر لایحه باشد درین
 فاعده قطعی غایب که چنان دو عدد متوالی را هر یک را
 سه ضرب کنند حاصل ضرب یکی فرد باشد و یکی دیگر
 زوج و میان ایشان فردی و زوجی بود و نسبت
 تحقیق کرد که تفصیل نسبت آن دو عدد متوالی بود
 مثلاً اگر ده را و یازده را در سه ضرب کنند هشت و بیست و یک
 ایشان هشت و بیست و یک و در دو ضرب و یک جز از این

عدد و اصدق اسم واحد هم واحد بود و با
 صدق آن دیگر عددی بود که نسبت با آن عدد دهان
 باشد که او را با واحد پس کمال اسم هر عدد عددی
 بود که جامع با صدق هر دو اسم او باشد و در آن عدد
 خفیه مرتبه او بود و از اقصای اسمین تمام از فروع
 آمده باشد و تحقیق یافته شد کمال اسمی و در آن نسبت
 او را با ضعیف و جمع کرده و از مویته این سخن آنست که
 کمال دوری هر عدد و ضعیف حق و صورت متمم عددی
 که بقدر آن کمال اسمی گرفته و از ملاحظه اسمی عدد بود
 در آن اسمی سر را از چند است و ضعیف و آنست که
 چه واقف خبر که آگاه باشد از آن که حصول انشود شد
 می بیند که بر این اجمال فاعل بود و فاعل و از زوج
 میان ایشان صورت بنده و چون فاعل نماید که کمال
 فاعل و در آن کمال اسمی و در آن نسبت او را با ضعیف و جمع کرده و از مویته این سخن آنست که
 کمال دوری هر عدد و ضعیف حق و صورت متمم عددی
 که بقدر آن کمال اسمی گرفته و از ملاحظه اسمی عدد بود
 در آن اسمی سر را از چند است و ضعیف و آنست که
 چه واقف خبر که آگاه باشد از آن که حصول انشود شد
 می بیند که بر این اجمال فاعل بود و فاعل و از زوج
 میان ایشان صورت بنده و چون فاعل نماید که کمال

و از آن است که هر که حاصل شود و طرح آن
 فردی باشد که نالی آن زوج بود یکی زیاد
 شد و نسبت به سه و شش است و چهار است
 ده و دوازده شش است و یک را و پنج و باقی
 برین چنان و هر یکی از عدد فرد و زوج فزون
 اقسام و احکام دارند که اطلاع بر آن شخصی
 قواعد است هم در مفاد معانی و هم در مطالبی که
 اشرف و اعلى است از آن دو تفصیلاً بحث
 آئینه معنی آن است که خواهد رفت بتوفیق الله
 و حسن تمییز **مسئله** چون تحقق عدد از هر
 واجتماع آن واحد جز جمع اعداد باشد و معروف
 اهل حساب هر عدد که شمار عددی دیگر کند آنرا
 که اگر او را دو بار یا بیشتر کنند از آن عدد
 و چنانچه در این کتاب
 از این کتاب در این باب
 از این کتاب در این باب
 از این کتاب در این باب

و از آن است که هر که حاصل شود و طرح آن
 فردی باشد که نالی آن زوج بود یکی زیاد
 شد و نسبت به سه و شش است و چهار است
 ده و دوازده شش است و یک را و پنج و باقی
 برین چنان و هر یکی از عدد فرد و زوج فزون
 اقسام و احکام دارند که اطلاع بر آن شخصی
 قواعد است هم در مفاد معانی و هم در مطالبی که
 اشرف و اعلى است از آن دو تفصیلاً بحث
 آئینه معنی آن است که خواهد رفت بتوفیق الله
 و حسن تمییز **مسئله** چون تحقق عدد از هر
 واجتماع آن واحد جز جمع اعداد باشد و معروف
 اهل حساب هر عدد که شمار عددی دیگر کند آنرا
 که اگر او را دو بار یا بیشتر کنند از آن عدد
 و چنانچه در این کتاب
 از این کتاب در این باب
 از این کتاب در این باب
 از این کتاب در این باب

و سرای مرکب تواند بود چه نصف و که بقوت خود
 باشد عدد و کند و ازین سخن تحقیق بحث که هیچ
 باز و چنانچه از خصایص این است و الله اعلم
مسئله عدد فرد را چون قیمت کند بدو و پنج
 که یکی از آن یکی زیادت باشد بر آن دیگر زیادت
 اعظم آن فرد بود و چون عدد فرد و بطریق
 واحد که اسس سلسله اعداد است و کمال آنرا
 ابتدا کند هر عدد فرد که برین اوست و پنج
 اعظم و کمال طوری او هر دو زوج بود و پنج
 او است هم فرد باشد شرط اعظم و طوری او فرد
 مثلاً که فرد دوم شرط اعظم و کمال
 طوری است و پنج که فرد سوم شرط اعظم
 و کمال طوری باشد و بدین و تیره شرط اعظم
 و کمال طوری باشد و بدین و تیره شرط اعظم

و از آن است که هر که حاصل شود و طرح آن
 فردی باشد که نالی آن زوج بود یکی زیاد
 شد و نسبت به سه و شش است و چهار است
 ده و دوازده شش است و یک را و پنج و باقی
 برین چنان و هر یکی از عدد فرد و زوج فزون
 اقسام و احکام دارند که اطلاع بر آن شخصی
 قواعد است هم در مفاد معانی و هم در مطالبی که
 اشرف و اعلى است از آن دو تفصیلاً بحث
 آئینه معنی آن است که خواهد رفت بتوفیق الله
 و حسن تمییز **مسئله** چون تحقق عدد از هر
 واجتماع آن واحد جز جمع اعداد باشد و معروف
 اهل حساب هر عدد که شمار عددی دیگر کند آنرا
 که اگر او را دو بار یا بیشتر کنند از آن عدد
 و چنانچه در این کتاب
 از این کتاب در این باب
 از این کتاب در این باب
 از این کتاب در این باب

و در این فصل از احوال و احکام عدد که تحقیق آن
 موقوف علی که مفعول کرده و تغییر ذات عدد بنا
 بقدر کفایت که از شش بر طرف در قسم نامی شروع
 خواهد رفت مستعین بالله تعالی و متوکلا علیه
 در او این باب گفته شد که احوال و احکام
 اعداد بعضی از آن قبلی که فی تفرع و تعالی که
 تغییر و تبدیل در آن است با اصول حصول نمی آید
 بالفعل و ظاهر است که تغییر و تبدیل عدد بر این دو
 بود یا متعین و سبق ذکر یافته که فراهم آوردن
 و ترکیب بر دو وجه میسر می شود یکی با اشیاء
 موسوم گشت و آن دیگر با اشیاء اعتباری و بعد از
 آن که این معانی نموده میشود که اشیاء اعتباری
 در اعداد جمع خوانند و اگر میان دو شیء تغییر
 این احوال با احوال دیگر
 و در این باب گفته شد که احوال و احکام
 اعداد بعضی از آن قبلی که فی تفرع و تعالی که
 تغییر و تبدیل در آن است با اصول حصول نمی آید
 بالفعل و ظاهر است که تغییر و تبدیل عدد بر این دو
 بود یا متعین و سبق ذکر یافته که فراهم آوردن
 و ترکیب بر دو وجه میسر می شود یکی با اشیاء
 موسوم گشت و آن دیگر با اشیاء اعتباری و بعد از
 آن که این معانی نموده میشود که اشیاء اعتباری
 در اعداد جمع خوانند و اگر میان دو شیء تغییر

و در این فصل از احوال و احکام عدد که تحقیق آن
 موقوف علی که مفعول کرده و تغییر ذات عدد بنا
 بقدر کفایت که از شش بر طرف در قسم نامی شروع
 خواهد رفت مستعین بالله تعالی و متوکلا علیه
 در او این باب گفته شد که احوال و احکام
 اعداد بعضی از آن قبلی که فی تفرع و تعالی که
 تغییر و تبدیل در آن است با اصول حصول نمی آید
 بالفعل و ظاهر است که تغییر و تبدیل عدد بر این دو
 بود یا متعین و سبق ذکر یافته که فراهم آوردن
 و ترکیب بر دو وجه میسر می شود یکی با اشیاء
 موسوم گشت و آن دیگر با اشیاء اعتباری و بعد از
 آن که این معانی نموده میشود که اشیاء اعتباری
 در اعداد جمع خوانند و اگر میان دو شیء تغییر
 این احوال با احوال دیگر
 و در این باب گفته شد که احوال و احکام
 اعداد بعضی از آن قبلی که فی تفرع و تعالی که
 تغییر و تبدیل در آن است با اصول حصول نمی آید
 بالفعل و ظاهر است که تغییر و تبدیل عدد بر این دو
 بود یا متعین و سبق ذکر یافته که فراهم آوردن
 و ترکیب بر دو وجه میسر می شود یکی با اشیاء
 موسوم گشت و آن دیگر با اشیاء اعتباری و بعد از
 آن که این معانی نموده میشود که اشیاء اعتباری
 در اعداد جمع خوانند و اگر میان دو شیء تغییر

سبب اختلاف و تفرع
 باشد با اشیاء اعتباری
 و در این باب گفته شد که احوال و احکام
 اعداد بعضی از آن قبلی که فی تفرع و تعالی که
 تغییر و تبدیل در آن است با اصول حصول نمی آید
 بالفعل و ظاهر است که تغییر و تبدیل عدد بر این دو
 بود یا متعین و سبق ذکر یافته که فراهم آوردن
 و ترکیب بر دو وجه میسر می شود یکی با اشیاء
 موسوم گشت و آن دیگر با اشیاء اعتباری و بعد از
 آن که این معانی نموده میشود که اشیاء اعتباری
 در اعداد جمع خوانند و اگر میان دو شیء تغییر

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين



۴۱۲

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين